

## فهرست

۷	.....	مقدمه‌ای درباره منابع و مأخذ
۱۳	.....	اوور تور
۱۹	.....	موسیقی فولکلور
۲۹	.....	فلامنکو
۲۹	.....	کولی‌ها
۳۶	.....	موسیقی کولی (فلامنکو)
۴۴	.....	احیاکنندگان فلامنکو:
۴۴	.....	پا کودلویا
۴۶	.....	مانیتاس دوپلاتا
۴۹	.....	چیپسی کینگز
۵۵	.....	موسیقی کلاسیک
۶۰	.....	لوئیس میلان
۶۲	.....	آنتونیو دوکابزون
۶۳	.....	توماس لوئیس دوویکتوریا
۶۷	.....	دومینیکو اسکارلاتی
۶۸	.....	آنتونیو سولر
۷۲	.....	زارزوئلا
۷۴	.....	جنبش ملی‌گرایی اسپانیا و احیای زارزوئلا
۷۹	.....	احیاکنندگان زارزوئلا
۷۹	.....	فرانسیسکو باربیری
۸۱	.....	خواکین گارتام بیده
۸۲	.....	مانوئل کابالرو

# Shiraz-Beethoven.ir

- ۸۴ ..... میگوئل مارکز
- ۸۵ ..... فدریکو چواکا
- ۸۷ ..... خواکین والورده (پدر)
- ۸۹ ..... توماس برتون
- ۹۰ ..... روپر توچاپی
- ۹۲ ..... جرانیمو خیمنز
- ۹۴ ..... توماس توره گروسا
- ۹۵ ..... وینسنته لئو
- ۹۶ ..... خوزه سرانو
- ۹۸ ..... آمادئو ویوس
- ۱۰۰ ..... خواکین والورده (پسر)
- ۱۰۱ ..... پابلولونا
- ۱۰۳ ..... ریوریانو سوتولو
- ۱۰۵ ..... مانوئل پینلا
- ۱۰۷ ..... جسوس گوریدی
- ۱۰۹ ..... خوزه اوسانندیزاگا
- ۱۱۱ ..... فرانسیسکو آلونسو
- ۱۱۳ ..... خوزه پادیلا
- ۱۱۴ ..... خوان ورت
- ۱۱۵ ..... فدریکو توروبا
- ۱۱۷ ..... جاستینو گوئررو
- ۱۱۸ ..... پابلو سوروزابال
- ۱۲۰ ..... سبک اسپانیایی در قرن ۱۹
- ۱۲۰ ..... خوان آریاگا
- ۱۲۲ ..... فرناندوسور
- ۱۳۰ ..... آهنگسازان غیر اسپانیایی موسیقی اسپانیایی

# Shiraz-Beethoven.ir

- ۱۳۰ ..... میخائیل گلینکا
- ۱۳۳ ..... نیکلای ریمسکی کورساکف
- ۱۳۴ ..... ادوارد لالو
- ۱۳۶ ..... ژرژ بیزه
- ۱۳۸ ..... امانوئل شاپریه
- ۱۳۹ ..... موريس راول
- ۱۴۰ ..... کلود دبوسی
- ۱۴۳ ..... **ادامه جنبش ملی‌گرای اسپانیا در احیای موسیقی کلاسیک**
- ۱۴۳ ..... فلیپه پدرل
- ۱۴۵ ..... پابلو سارازات
- ۱۴۸ ..... فرانسیسکو تارده‌گا
- ۱۵۴ ..... **نسل بعدی: در آستانه قرن بیستم**
- ۱۵۴ ..... ایزاک آلبنیز
- ۱۶۹ ..... انریکه گرانادوس
- ۱۷۷ ..... مانوئل دوفا یا
- ۱۹۹ ..... **نسلی دیگر: قرن بیستم**
- ۱۹۹ ..... خواکین تورینا
- ۲۰۳ ..... اسکار اسپلا
- ۲۰۵ ..... فدریکو مومپو
- ۲۰۶ ..... خواکین رودریگو
- ۲۱۴ ..... سلدونیو رومرو

### مقدمه‌ای درباره منابع و مآخذ

درباره نیکلای ریمسکی کورساکف (آهنگساز روس) گفته شده است: «... نیکلای ریمسکی کورساکف، خالق آثار سمفونیک است ریشه‌دار در هنر ملی، محصول ترکیب خیال با واقعیت، فراگیر مناظر زیبا، و قابلیت بیان موزیکالی که وی را به عنوان استاد بی نظیر رنگ‌آمیزی معرفی می‌کند. او هنرمندی است که توانسته به وسیله ارکستر رنگ دریا، خش خش جنگل، تلاطم امواج، آوای پرندگان، و بوی خوش گلها را ارائه کند...»<sup>۳</sup>

چگونه به یک اثر موسیقایی گوش سپاریم که عواملی چون رنگ دریا، خش خش جنگل،... و بسیاری عوامل دیگر را که آن اثر بیانگر یا تصویرگر آن است احساس نمائیم؟ و به بیانی دیگر: چگونه به یک قطعه موسیقی گوش سپاریم که آن را درک کنیم؟

مسلم است که برای درک کامل یک اثر موزیکال، علاوه بر مطالعه تاریخ موسیقی و سیر تحول آن و نقدها و نظرات و تفسیرهای صاحب‌نظران موسیقی، و آشنایی با فرمهای موسیقی، باید با تمامی حواس بر آن متمرکز شد، مگر آن را با گوش جان شنید، و همواره بهنگام شنیدن - همچون موارد حضور در یک کنسرت زنده - بر آن دقت نمود، و در واقع با «هدف شنیدن» به آن گوش فراداد.

---

۳ از مندرجات پشت جلد یک صفحه ۳۳ دور موسیقی از انتشارات موسسه نشر موسیقی روسی Melodya (دهه ۱۹۶۰) که حاوی سوئیت سمفونیک شهروزاد و کاپریچو اسپانیول می‌باشد.

هرکس که با «هدف شنیدن» به یک اثر موسیقایی گوش می‌سپارد - حداقل - علاقه دارد بداند: اثری که می‌شنود چه فرمی از موسیقی است، چه نام دارد، توسط چه کسی تصنیف شده، از چه جزئیاتی تشکیل گردیده، و کدام هنرمندان (یا هنرمند) آن را اجرا کرده‌اند. این علاقه در مورد شنوندگان موسیقی کلاسیک شدیدتر است، چون در این گونه از موسیقی با تنوع فرم، تعدد اجرا، و گستردگی میدان خلاقیت مصنفین مواجه هستیم.

از آنجا که محدوده موسیقی کلاسیک جهانی است با تعداد بی‌شماری آهنگساز روبرو هستیم که - غالباً - در همه فرم‌های شناخته شده موسیقی (سمفونی، کنسرتو، اپرا، باله،...) طبع آزمایی کرده یا می‌کنند. از آنجا که زبان موسیقی بین‌المللی است هنرمندان هر سرزمینی قادر به اجرای آثار هر آهنگسازی می‌باشند. و از آنجا که توان اجرایی و درک هنرمندان مجری از آثار هنرمندان مصنف متفاوت است، نتیجه اجراها نیز دارای کیفیات و خصوصیات متعددی است. به عنوان مثال: علاوه بر سایر عوامل کیفی، زمان اجراهای مختلف از سمفونی شماره ۹ بتیون (کرال) که توسط رهبران ارکستر مشهور جهان رهبری شده و بر روی سی‌دی قابل دسترسی هستند، بین ۶۳ الی ۷۳ دقیقه متغیر است و هر علاقمند موسیقی حسب عوامل قابل قبول و موردنظر خود یکی از این اجراها را بر سایرین ترجیح می‌دهد.

این حداقل عوامل اطلاعاتی، که نام برده شد، از چه طریقی قابل دسترسی است؟ مندرجات درون جلد نوارهای کاست، پشت جلد صفحه‌های ۳۳ دور موسیقی (LP) و دفترچه راهنمای شنیدن دیسک‌های فشرده (CD) این دانستنی‌ها را در اختیار شنوندگان علاقمند قرار می‌دهند.

اما، در بسیاری از موارد مندرجات این منابع منحصر به این عوامل نمی‌باشد و مطالبی درباره گوشه‌ای از تاریخ موسیقی مرتبط با اثر، فرازهایی از زندگی آهنگساز در خلق اثر، سوابق اجرایی مجریان اثر، و حتی تحلیل مختصری از آن را نیز ارائه می‌کنند.

این دانستنی‌ها، بویژه در ایران که قحطی کتاب در زمینه موسیقی است، بسیار ارزشمند و قابل استفاده می‌باشند. به گونه‌ای که - تا حدی - جای خالی کتاب را پر می‌نمایند.

بیش از سی سال قبل، احساس نیاز به دانستن درباره آثاری که می‌شنیدیم، مرا به سوی جمع‌آوری مندرجات پشت جلد صفحه‌های ۳۳ دور موسیقی هدایت کرد. آن روزها در این زمینه کتاب (فارسی) چندانی وجود نداشت (گرچه هنوز هم بقدر کفایت وجود ندارد)، و گرچه نوار کاست هم رایج شده بود، اما نوارهای منتشر شده در ایران این حداقل اطلاعات را هم بطور کامل ارائه نمی‌کردند و از نظر کیفیت صوتی نیز در حد نازلی بودند. لذا علاوه بر دانستنی‌ها، بهترین کیفیت صوتی نیز از طریق صفحه‌های ۳۳ دور موسیقی قابل دستیابی بود.

روند جمع‌آوری این دانستنی‌ها که از اوایل دهه ۱۳۵۰ آغاز شده بود تا سال ۱۳۵۷ ادامه داشت. اما از آنجا که در تهران فقط دو مرکز فروش صفحه‌های موسیقی وجود داشت (یکی از این فروشگاهها فقط صفحه‌های چاپ شده در اتحاد شوروی را عرضه می‌کرد. صفحه‌هایی که پشت جلد بسیاری از آنها به زبان روسی بود و غالباً بجز شناسنامه اثر اطلاعات دیگری دربر نداشت) و آثار موردعلاقه از میان صفحه‌هایی که توسط آنها عرضه می‌شد قابل تامین بود، جریان جمع‌آوری اطلاعات به کندی پیش می‌رفت.

با انقلاب اسلامی سال ۵۷ و قطع ورود صفحه‌های موسیقی به ایران، کار جمع‌آوری اطلاعات متوقف شد. اگرچه در همین مقطع (۱۹۷۹) سی‌دی‌های موسیقی نیز به عنوان یک پدیده جدید در بازارهای جهان عرضه شده و انقلابی در کیفیت ضبط و پخش اصوات اتفاق افتاده بود، اما باید سالها می‌گذشت تا این پدیده به صورتی بسیار محدود به ایران برسد.

بهرحال، اگرچه کار جمع‌آوری دانستنی‌های موسیقی متوقف شد، اما در زمینه موسیقی اسپانیایی، که مورد علاقه شدیدم بود، و به لطف دفترچه راهنمای شنیدن



## فلامنکو

### کولی‌ها

«منشاء کولی‌ها قرن‌ها در راز و رمز پیچیده بود. این چادرنشینان تیره پوست با آداب و رسوم عجیب و غریب که امروز اینجا و فردا در جای دیگر بسر می‌برند همواره مورد کنجکاوی مردمان یکجانشین بوده‌اند. بسیاری از نویسندگان برای حل این معما فرضیه‌های بی‌ربطی ساخته‌اند، اگرچه پژوهش‌های علمی قرن ۱۹ جواب این مسئله را داده است. با اینهمه خیال‌انگیزترین اسطوره‌ها در این زمینه هنوز باقی است...»<sup>۱</sup>

امروزه همه محققین بر این امر اتفاق نظر دارند که کولی‌ها ریشه آسیایی داشته و در واقع منشاء هندی دارند:

«دستور زبان و واژگان زبان کولی‌ها به زبان سانسکریت و زبانهای زنده‌ای نظیر کشمیری، هندی، گجراتی، مراتی، و نیپالی شباهت دارد. دانشمندان امروزی در اینکه منشاء کولی‌ها از هند بوده است تردیدی ندارند...»

پژوهشهایی که در ریشه‌هایی همچون زبانشناسی، مردم‌سنجی، و نژادشناسی صورت گرفته است منشاء هند و آریایی کولی‌ها را بطور قاطع

۱ - دنیا، سرزمین آنها اثر فرانسوا دو وو دو فولیته.

## موسیقی کلاسیک

پهلوی به پهلوی موسیقی میادین و میخانه‌ها، اسپانیا همواره دارای یک موسیقی هنری باشکوه بوده است، که باید آن را موسیقی اشرافی نامید. این موسیقی، که در ابتدا برای دربارها و کلیساها نوشته می‌شد، برخلاف آثار آوازی مردمی یک موسیقی رسمی است برای موقعیت‌های رسمی. بعضی مواقع به‌راستی مشکل می‌توان بیان نمود که در کجا موسیقی فولکلور قطع و موسیقی علمی آغاز می‌گردد. استادان بزرگ قرن ۱۶، که برای گیتار موسیقی درباری تصنیف می‌کردند، نفیس‌ترین واریاسیون‌ها را روی الحان روستایی نوشته‌اند. نوازندگان هارپسیکورد قرن ۱۸ دربار مادرید موسیقی خود را با ریتم‌های انعطاف‌پذیر رقص‌های اسپانیایی اشباع کردند، و در اواخر قرن ۱۹ آلبیز و گرانادوس نقش بسیار مهمی را در کشف مجدد فولکلور به عهده گرفتند.

ابتدایی‌ترین موسیقی کلاسیک اسپانیا به کلیسا تعلق دارد، که بعضی از آنها اخیراً از میان کتب خطی کشف و به خدمت کلیسا آورده شده‌اند. این سرودها را موز عربیک گفته‌اند نه به خاطر آنکه عناصر عربی در آن وجود داشته باشد، بلکه به خاطر آن که در کلیساهای مسیحی تحت



## احیا کنندگان زارزوتلا

فرانسیسکو آسنجو باربییری:

فرانسیسکو آسنجو باربییری<sup>۱</sup>، متولد ۳ آگوست ۱۸۲۳ می باشد. نام آسنجو را به افتخار پدر بزرگ مادریش که مدیر تئاتر دولاکروز بود، انتخاب کردند. در آنجا بود که فرانسیسکو جوان با تیاتر و موسیقی آشنایی پیدا کرد. او در سال ۱۸۳۷ به کنسرواتوار مادرید وارد شد و تحصیلات موسیقی را آغاز نمود. پیانو، آواز، کلارینت، و آهنگسازی آموخت. بین سالهای ۱۸۴۱ الی ۱۸۴۴ با عنوان خواننده دوره گرد، نوازنده کلارینت، رونویس کننده نت آثار، معلم پیانو، و تصنیف رقص ها و آوازهای مردمی امرار معاش کرد.

باربییری فعالیت اپرایی خود را با یک اپرای ایتالیایی (۱۸۴۶) آغاز کرد، اما چون ایده آلش تعقیب یک فرم تیاتری مشخصاً اسپانیایی بود، اپرای ایتالیایی را تحریم کرد و در سال ۱۸۵۰ اولین زارزوتلای خود را نوشت. او بین گروه آهنگسازی که از سال ۱۸۵۱ در تیاتر دل سیرکو کار کردند - اودرید<sup>۲</sup>، گازتام بیده، و آریه تا<sup>۳</sup> - نقطه مرکزی بود. در سال ۱۸۵۶ تیاتر دولاکروزوتلا تاسیس شد و باربییری از دهه ۱۸۶۰ فعالیت خود را تشدید کرد، یک انجمن موسیقی بنیان نهاد، تعداد زیادی آثار سمفونیک

1 - Francisco Asenjo Barbieri

2 - Audrid

3 - Arieta